

آتش بس در سویدا

بعد از یک درگیری خونین میان نیروهای ارتش سوریه و دروزی ها، آتش بس اعلام شد

گروه بین الملل: سوریه پس از درگیری‌های مرگبار، آتش بس در شهر سویدا، واقع در نزدیکی مرز سوریه را اعلام کرد. نیروهای دولتی پس از درگیری هایی بین جنگجویان دروزی و قبایل بدوی که منجر به کشته شدن ده ها نفر در این شهر جنوبی سوریه شد، آتش بس اعلام کردند.

وزارت دفاع سوریه آتش بس در شهر سویدا با اکثریت دروزی را اعلام کرد و گفت که پس از روزها درگیری مرگبار با قبایل بدوی، با «اشخاص برجسته و سرشناس» شهر به توافق رسیده است. مرحف ابوقصره، وزیر دفاع، روز سه شنبه، اندکی پس از آنکه این وزارتخانه نیروهای دولتی را برای توقف خشونت هایی که از روز جمعه ده ها نفر را کشته است، مستقر کرد، در ایکس نوشت: «به همه واحدهای فعال در شهر سویدا، آتش بس کامل اعلام می کنیم.» به گفته دیده بان حقوق بشر سوریه، پس از خشونت هایی که در سراسر استان سویدا گسترش یافت و حداقل ۹۹ نفر را کشت، مقررات منع رفت و آمد نیز در شهر اعمال شد. این دیده بان گفت که کشته شدگان شامل ۶۰ دروزی، از جمله چهار غیرنظامی، ۱۸ جنگجوی بدوی، ۱۴ پرسنل امنیتی و هفت فرد ناشناس با لباس نظامی هستند. وزارت دفاع از ۱۸ کشته در میان نیروهای مسلح خبر داد. گروه های بدوی و دروزی در سویدا اختلاف دیرینه ای دارند و گاهی اوقات خشونت هایی در می گیرد.

در همین حال، اسرائیل روز سه شنبه پس از ورود نیروهای دولتی سوریه به شهر دروزی، حملات هوایی به سویدا را آغاز کرد. اسرائیل پیشتر متعهد شده بود که از اقلیت دروزی سوریه که آنها را متحدان بالقوه خود می داند، محافظت کند. رهبر معنوی دروزی پیش از این در برابر هرگونه استقرار نیروهای سوری در این شهر جنوبی مقاومت کرده بود، اما سپس از جنگجویان دروزی خواست که سلاح های خود را زمین بگذارند و به نیروهای دولتی اجازه ورود دهند. با این حال، بعد از ظهر سه شنبه، رهبری سیاسی دروزی تغییر رویه داد و شیخ حکمت الهاجری، که به شدت با رهبری جدید در دمشق مخالف بوده است، گفت که نیروهای سوری با ادامه تیراندازی به ساکنان، هرگونه توافقی را نقض کرده اند. او در یک بیانیه ویدئویی ضبط شده گفت: «ما در معرض یک جنگ تمام عیار برای نابودی هستیم،» و از همه دروزی ها خواست ابا تمام امکانات موجود با این کارزار وحشیانه مقابله کنند.» پیش از این در روز سه شنبه، ستون های نظامی سوریه در حال پیشروی به سمت سویدا دیده شدند و توپخانه سنگین در نزدیکی آنها مستقر بود. وزارت دفاع بعداً اعلام کرد که آنها وارد شهر شده اند و از مردم خواست که «در خانه بمانند و هرگونه تحرک گروه های قانون شکن را گزارش دهند. »

ایسن اولین باری بود که نیروهای دولتی از زمان سرنگونی بشار اسد، حاکم دیرینه سوریه، در ماه دسامبر و تشکیل دولت موقت به ریاست جمهوری احمد الشرع، به سویدا اعزام شدند. فرقه مذهبی دروزی یک گروه اقلیت است که به عنوان شاخه ای از اسلام شیعه در قرن دهم میلادی سرچشمه گرفته است. در سوریه، این جامعه ۷۰۰ هزار نفری عمدتاً در استان جنوبی سویدا و بر خی از حومه های دمشق، عمدتاً در جرمانا و اشرفیه صحنایا در جنوب، ساکن هستند. اسامه بن جاوید، خبرنگار الجزیره، در گزارشی از دیر الزور در سوریه، گفت که درگیری ها در این شهر از روز جمعه ادامه داشته است. او گفت: «این درگیری ها تشدید شد و بیش از ده ها نفر کشته شدند. دولت نیروهای کمکی خود را اعزام کرد و سپس کمین نیروهای دولتی نیز رخ داد که به اعتقاد ما حداقل ۱۸ سرباز در آن کشته یا زخمی شدند.» بن جاوید گفت که اوضاع با حملات اسرائیل به مواضع دولت در سوریه وخیم تر شده است. اسرائیل که تلاش کرده خود را به عنوان حامی دروزی های سوریه نشان دهد و آنها را به عنوان متحدان بالقوه می بیند، روز دوشنبه چندین تانک سوری را بمباران کرد. بن جاوید گفت: «تعدادی حمله از سوی اسرائیل صورت گرفته است و اسرائیلی ها گفته اند که هرگونه حرکت پرسنل یا تجهیزات در جنوب سوریه همچنان توسط ارتش اسرائیل رصد خواهد شد و ارتش اسرائیل به حمله به آنها ادامه خواهد داد.»



بین الملل

INTERNATIONAL



محمدحسین لطف الهی

خبرنگار بین الملل

داده های یک پژوهش جدید نشان می دهد در حالی که شهروندان کشورهای اروپایی، روسیه را بزرگترین تهدید علیه کشورشان می دانند، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، این ایالات متحده است که نزد شهروندان به عنوان اصلی ترین تهدید شناخته می شود.

بر اساس نظرسنجی جدید موسسه افکارسنجی پیو (Pew Research Center)، ایالات متحده در نگاه مردم بسیاری از کشورها جایگاهی دوگانه دارد. در حالی که در بسیاری از کشورها به عنوان مهم ترین متحد شناخته می شود، در بر خی دیگر بزرگترین تهدید به شمار می رود. این گزارش به تحلیل دیدگاه های جهانی در مورد متحدان و تهدیدهای اصلی کشورها می پردازد و نقش چین و روسیه را نیز به عنوان تهدیدهای کلیدی بررسی می کند.

مرکز پیو از تاریخ ۸ ژانویه تا ۲۶ آوریل ۲۰۲۵ با ۳۱،۹۳۸ بزرگسال در ۲۵ کشور (شامل ایالات متحده) مصاحبه کرده است. این نظرسنجی به صورت باز انجام شده است؛ به این معنا که از پاسخ دهندگان خواسته نشده بود تا از یک فهرست ازپیش تعیین شده انتخاب کنند، بلکه آن ها می توانستند هر کشور یا موجودیتی را که به ذهنشان می رسید، نام ببرند. لازم به ذکر است که این نظرسنجی پیش از آغاز جنگ ایران و اسرائیل در ژوئن و حمله آمریکا به تأسیسات هسته ای ایران انجام شده است.

◀ نگاه دو گانه

شاید هیچ کشوری به اندازه ایالات متحده در افکار عمومی جهانی، چنین جایگاه دوگانه ای نداشته باشد. این کشور از یک سو به عنوان لنگرگاه امنیت و ثبات و از سوی دیگر به مثابه یک نیروی بی ثبات کننده یا یک تهدید بالقوه نگریسته می شود. این دوگانگی تنها بین کشورهای مختلف، بلکه گاهی در درون یک کشور نیز به وضوح قابل مشاهده است. در ۱۲ کشور از ۲۴ کشور مورد بررسی (بدون احتساب آمریکا)، نام ایالات متحده بیش از هر کشور دیگری به عنوان «مهم ترین متحد» به زبان آمده است. این دیدگاه در میان متحدان استراتژیک و تاریخی آمریکا بسیار قدرتمند است. در اسرائیل، این نگاه به اوج خود می رسد؛ ساکنان سرزمین های اشغالی با قاطعیتی مثال زدنی، آمریکا را شریک حیاتی و اصلی خود می دانند. این امر با توجه به حمایت های دیپلماتیک و نظامی طولانی مدت واشنگتن از تل آویو، چندان دور از انتظار نیست. در شرق آسیا نیز، دو متحد کلیدی آمریکا یعنی ژاپن و کره جنوبی، با اکثریتی قاطع، ایالات متحده را مهم ترین حامی خود در برابر تهدیدهای منطقه ای می دانند و کمتر نامی از کشورهای دیگر به میان می آورند. این نشان دهنده تداوم اهمیت پیمان های امنیتی پس از جنگ جهانی دوم در مهار نفوذ چین و کره شمالی است. در حلقه کشورهای انگلیسی زبان، حدود نیمی از بزرگسالان در کانادا و بریتانیا، ایالات متحده را به عنوان متحد اصلی خود معرفی می کنند. این رابطه، البته دوطرفه است؛ در نگاه متقابل، آمریکایی ها نیز بریتانیا (با ۱۸٪) و کانادا (با ۱۲٪) را به ترتیب در رتبه های اول و دوم متحدان خود قرار می دهند. اما این تصویر درخشان، تنها یک روی سکه است. در هشت کشور دیگر، ایالات متحده به عنوان «بزرگ ترین تهدید» برای امنیت و منافع ملی شناخته می شود. این نگرش به ویژه در همسایگان نزدیک آمریکا، یعنی کانادا و مکزیک، به شکلی تکان دهنده برجسته است. اکثریت قاطع جمعیت در هر دو کشور – ۵۹٪ در کانادا و ۶۸٪ در



در ۱۲ کشور از ۲۴ کشور مورد بررسی (بدون احتساب آمریکا)، نام ایالات متحده بیش از هر کشور دیگری به عنوان «مهم ترین متحد» به زبان آمده است. این دیدگاه در میان متحدان استراتژیک و تاریخی آمریکا بسیار قدرتمند است. در اسرائیل، این نگاه به اوج خود می رسد؛ ساکنان سرزمین های اشغالی با قاطعیتی مثال زدنی، آمریکا را شریک حیاتی و اصلی خود می دانند. این امر با توجه به حمایت های دیپلماتیک و نظامی طولانی مدت واشنگتن از تل آویو، چندان دور از انتظار نیست

مکزیک – آمریکا را تهدید اصلی می دانند. این آمار در کانادا یک دگرگونی عمیق را نشان می دهد؛ در سال ۲۰۱۹، تنها ۲۰٪ از کانادایی ها چنین دیدگاهی داشتند و این رقم اکنون تقریباً سه برابر شده است. این جهش می تواند ناشی از تنش های تجاری، اختلافات سیاسی در دوره اخیر و نگرانی از تأثیرات فرهنگی و سیاسی همسایه قدرتمند جنوبی باشد. در آمریکای لاتین نیز این احساسات ضد آمریکایی ریشه دار است. در آرژانتین و برزیل، و همچنین در کشورهای دیگری چون اندونزی و آفریقای جنوبی، حدود یک چهارم جمعیت یا بیشتر، آمریکا را بزرگترین تهدید برای کشور خود می دانند. علاوه بر این، در ده کشور دیگر، از جمله بسیاری از کشورهای اروپایی، ایالات متحده به عنوان دومین تهدید رابع پس از روسیه یا چین مطرح می شود که نشان دهنده گستردگی این نگرانی در سطح جهانی است. شاید شگفت انگیزترین بخش یافته ها، نگاه دوگانه ای باشد که در چندین کشور به صورت همزمان وجود دارد. در چهار کشور قاره آمریکای یعنی آرژانتین، برزیل، کانادا و مکزیک، و همچنین در کنیا، ایالات متحده همزمان رابع ترین پاسخ برای «متحد اصلی» و «تهدید اصلی» است. به عنوان مثال، در کانادا ۲۵٪ و در مکزیک ۲۰٪ از مردم، آمریکا را هم بزرگترین متحد و هم بزرگترین تهدید می دانند. این پارادوکس عمیق، بیانگر رابطه پیچیده وابستگی و در عین حال واهمه است؛ کشورهایی که از نظر اقتصادی و امنیتی به شدت به آمریکا وابسته اند، همزمان از قدرت و نفوذ آن احساس خطر می کنند.

◀ تحول بزرگ در گذر زمان

مقایسه نتایج این نظرسنجی با پژوهش مشابهی در سال ۲۰۱۹، نشان دهنده یک پویایی قابل توجه در افکار عمومی است. همان طور که اشاره شد، درک تهدید از سوی آمریکا در کانادا و مکزیک به شدت افزایش یافته است. اما در مقابل، در سه کشور این نگرش به شکل معناداری کاهش یافته است. در ترکیه، سهم افرادی که آمریکا را تهدید اصلی می دانستند از ۴۶٪ در سال ۲۰۱۹ به ۳۰٪ در نظرسنجی اخیر کاهش یافته است. کاهش مشابهی در آرژانتین (از ۴۰٪ به ۲۴٪) و اسرائیل (از ۴۰٪ به ۱۰٪) نیز مشاهده می شود. این تغییرات نشان می دهد که دیدگاه ها نسبت به آمریکا ثابت نیست و به شدت تحت تأثیر عملکرد دولت های وقت آمریکا و تحولات روابط دو جانبه قرار دارد.

◀ تأثیر ترامپ

این نگاه دوگانه به ایالات متحده به عنوان متحد و تهدید، به شدت تحت تأثیر شخصیت، سیاست ها و عملکرد رهبر آن، دونالد ترامپ، قرار دارد. بازگشت او به کاخ سفید در ژانویه ۲۰۲۵، با واکنش های عمدتاً منفی در سراسر جهان مواجه شده است. نظرسنجی مرکز پیو که پس از آغاز دور دوم ریاست جمهوری او انجام شده، نشان می دهد که عدم اعتماد به رهبری او در عرصه جهانی، یک پدیده فراگیر است و این بی اعتمادی، بر تصویر کلی ایالات متحده نیز سایه افکنده است. از زمان روی کار آمدن مجدد او، رتبه بندی کلی آمریکا در ۱۵ کشور کاهش یافته که این کاهش در کشورهایی چون مکزیک، سوئد، لهستان و کانادا به ۲۰ درصد یا بیشتر می رسد. در ۱۹ کشور از ۲۴ کشور مورد بررسی، بیش از نیمی از جمعیت اعلام کرده اند که به توانایی دونالد ترامپ برای مدیریت امور جهانی «اعتماد ندارند». این عدم اعتماد عمومی، با تصویر شخصی او در ذهن مردم جهان گره خورده است. زمانی که از ویژگی های شخصیتی او سؤال می شود، اکثریت پاسخ دهندگان او را فردی «متکبر» (arrogant) و «خطرناک» (dangerous) توصیف می کنند و شمار بسیار

متحد اصلی یا بزرگترین

مردم دنیا، ایالات متحده

کمی او را «صادق» (honest) می دانند. با این حال، در یک تناقض قابل تأمل، اکثریت مردم در ۱۸ کشور، ترامپ را یک «رهبر قدرتمند» (strong leader) به شمار می آورند. این پارادوکس نشان می دهد که جهان، قدرت او را به رسمیت می شناسد، اما از نحوه به کارگیری این قدرت و نیت پشت آن، عمیقاً نگران است. این بی اعتمادی کلی، در ارزیابی عملکرد ترامپ در مورد مسائل مشخص بین المللی نیز بازتاب می یابد. از میان شش موضوع کلیدی که در نظرسنجی مطرح شده، او در هیچ کدام نتوانسته اعتماد اکثریت را جلب کند. ترامپ ضعیف ترین نمره را در بخش «مقابله با تغییرات اقلیمی» دریافت می کند. به طور میانگین، تنها ۲۱٪ از مردم جهان به توانایی او برای مقابله با بحران اقلیمی اعتماد دارند، در حالی که ۷۲٪ با قاطعیت ابراز عدم اعتماد می کنند.

در میان شهروندان متحدان آمریکا در ناتو، بسیاری با نحوه مدیریت و سیاست های آمریکا در قبال جنگ روسیه و اوکراین مخالفند. در ۹ کشور از ۱۱ کشور عضو ناتو که در نظرسنجی حضور دارند، حدود ۶۰٪ یا بیشتر از جمعیت، به مدیریت این بحران توسط ترامپ اعتماد ندارند. تنها استثنای قابل توجه، مجارستان (۵۴٪) به او اعتماد دارند) و یونان (که دیدگاه در آن دوباره است) هستند.

متحدان کلیدی آمریکا در شرق آسیا نیز به شدت نگران سیاست های آمریکای ترامپ در قبال چین هستند. اکثریت قاطع در ژاپن و کره جنوبی (۶۰٪ یا بیشتر) و حدود سه چهارم استرالیایی ها (۷۷٪) به توانایی او برای مدیریت صحیح روابط با چین اعتماد ندارند.

به طور میانگین، ۶۷٪ از پاسخ دهندگان به مدیریت ترامپ در زمینه مشکلات اقتصادی جهانی بی اعتمادند. قابل توجه است که این نظرسنجی عمدتاً پیش از اعلام سیاست های تعرفه ای گسترده او در ماه آوریل انجام شده است. یکی از بارزترین یافته های این پژوهش، شکاف ایدئولوژیک عمیق در نگاه به دونالد ترامپ است. او به روشنی یک شخصیت به شدت قطبی ساز است که حمایت خود را عمدتاً از پایگاه سیاسی راست در سراسر جهان جلب می کند. در اکثر کشورها، افرادی که خود را در طیف راست ایدئولوژی قرار می دهند و همچنین کسانی که نگاه مثبتی به احزاب راست گرای پوپولیست در اروپا دارند، به مراتب بیشتر از دیگران به ترامپ اعتماد می کنند. این شکاف در برخی موارد بسیار عمیق است. برای مثال، در اسرائیل، ۹۳٪ از افراد راست گرا به ترامپ اعتماد دارند، در حالی که این رقم در میان چپ گرایان تنها ۲۱٪ است. این الگو در اروپا نیز کاملاً مشهود است. در آلمان، ۵۶٪ از کسانی که نگاه مثبتی به حزب «آلترناتیو برای آلمان» (AfD) دارند، به ترامپ اعتماد می کنند. این در حالی است که در میان مخالفان این حزب، تنها ۸٪ چنین اعتمادی دارند. این الگو در میان حامیان احزاب راست گرا در مناطق دیگر جهان نیز تکرار می شود؛ از حامیان ژائیر بولسونارو در برزیل و حزب لیکود بنیامین نتانیاهو در اسرائیل گرفته تا حامیان حزب «آزادی به پیش می رود» خاویر میلی در آرژانتین و حزب «قدرت مردم» یون سوک یول در کره جنوبی.

علاوه بر شکاف ایدئولوژیک، یک شکاف جنسیتی قابل توجه نیز در ۱۷ کشور وجود دارد؛ مردان به طور معناداری بیشتر از زنان به رهبری ترامپ در عرصه جهانی اعتماد دارند. در مجموع، دونالد ترامپ چهره ای است که جهان را به دو اردوگاه موافق و مخالف تقسیم می کند و اعتماد به او، بیش از آنکه برآمده از یک اجماع عمومی باشد، محصول حمایت گروه های خاص ایدئولوژیک و سیاسی است.

برای درک بهتر جایگاه فعلی ترامپ، مقایسه او با رئیس جمهور پیشین، جو بایدن، و همچنین با عملکرد خودش در دور اول ریاست جمهوری، راهگشاست. در مقایسه